

دکتر دنیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۲، دعای شکرگزاری، کولسیان ۱: ۱-۱۴

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

این جلسه دوم، دعای شکرگزاری در کولسیان، فصل ۱: ۱-۱۴ است.

به درس‌های مطالعات کتاب مقدس خوش آمدید. ما به رساله‌های زندان نگاه می‌کردیم که قبلاً به آن پرداختیم؛ به مقدمه رساله‌های زندان به طور کلی نگاه کردیم و همچنین به موارد خاصی که مربوط به کولسیان است، پرداختیم. در درس قبلی، چند نکته را بررسی کردیم، مسئله نویسنده و زمینه نامه، و من چند نکته را روشن کردم تا اکنون بتوانیم وارد آزمون شویم و شروع به پرسیدن سوالاتی مانند این کنیم: چرا این نامه نوشته شده است؟ چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ برخی از چیزهایی که باید بدانیم تا درک خوبی از موضوع این نامه داشته باشیم چیست؟ بنابراین، به سرعت به اینجا می‌رویم تا درس دوم را با بررسی هدف نامه شروع کنیم.

از هدف، مستقیماً به بررسی آنچه در فصل اول می‌گذرد می‌پردازیم. بنابراین، ابتدا، بیایید به هدف کولسیان یکی از آن کلماتی است که مردم چندین بار در «purpose» نگاهی بیندازیم. ضمناً، هدف، کلمه انگلیسی آمریکا، انگلستان، در سمت اروپایی، در اروپای شرقی، کرواسی و بوسنی به من گفته‌اند. شگفت‌انگیز است

، همه آنها به من می‌گفتند، تو نمی‌دانی چگونه آن کلمه را تلفظ کنی. و باید آن را درست تلفظ کنی. هدف وقتی منظورم هدف است، منظورم «هدف» است.

خب، هدف کولسیان. به عبارت دیگر، چرا این نامه نوشته شد؟ این نامه برای پرداختن به برخی مسائل خاص در کلیسا نوشته شده بود. تصور کنید چه زمانی به کلمه کلیسا اشاره می‌کنم. بگذارید اینجا چیزی را روشن کنم.

وقتی اینجا به کلمه کلیسا اشاره می‌کنم، کلیسای جامعی پر از آدم را تصور نکنید که یکشنبه‌ها می‌آیند و دور هم جمع می‌شوند، و بعد وقتی یکشنبه‌ها می‌آیند و دور هم جمع می‌شوند، سرودهای فوق‌العاده‌ای مثل فیض شگفت‌انگیز «دارند، و یکی از سرودهای مورد علاقه من، کلیسای که باید نگاهش دارم، و خدایی که» باید ستایشش کنم. و بعد یک واعظ بلند می‌شود و خطبه‌های فوق‌العاده‌ای ایراد می‌کند. این را تصور نکنید.

تصور کنید، در اشاره من به کلیسا در اینجا، مسیحیانی که در خانه‌های مردم جمع می‌شوند، با میانگین اندازه‌ای که می‌دانیم بزرگترین خانه می‌تواند ۵۰ نفر را در خود جای دهد. آنها می‌آیند، ممکن است آواز بخوانند، ممکن است با هم غذا بخورند، ممکن است کتاب مقدس را مطالعه کنند و ممکن است یکدیگر را تشویق کنند. چنین کلیسایی را تصور کنید.

و همانطور که آن کلیسا را تصور می‌کنید، تصور کنید که این کلیسا با تعالیم نادرست مشکلاتی دارد. برخی افراد می‌آیند تا پیامی را که درباره عیسی مسیح شنیده‌اند یا می‌دانند، تحریف کنند. پولس می‌نویسد تا به این مسائل بپردازد تا مسیحیان تمرکز خود را حفظ کنند.

اما وقتی به یک آموزه نادرست فکر می‌کنیم، ممکن است بخواهید برسید که ماهیت این آموزه نادرست چیست؟ خب، برخی از محققان فکر می‌کنند که با نگاه دقیق به متن، به ویژه فصل دوم کولسیان، می‌توان متوجه شد که این نامه به چیزی می‌پردازد که آنها عرفان یهودی می‌نامند، که به قول من به زبان مدرن ترکیبی از نوعی یهودیت و بت‌پرستی است که با هم درآمیخته‌اند. اگر در آمریکای لاتین هستید، اکنون چیزی

وجود دارد که آنها در برخی از کشورها سانتريا می‌نامند، جایی که ترکیبی از مسیحیت و فعالیت‌های بت‌پرستی وجود دارد، آن نوع فعالیت عرفانی، همانطور که برخی از محققان استدلال می‌کنند. با این حال، باید بگویم که در سال‌های اخیر، تعداد زیادی از مفسران در مورد این موضوع از این دیدگاه فاصله می‌گیرند.

یک دیدگاه قدیمی وجود دارد که این نامه برای اشاره به برخی از نفوذهای عرفانی یا فعالیت‌های عرفانی در کلیسا نوشته شده است. اکنون متوجه شده‌ایم که عرفان در واقع تا پایان قرن اول توسعه نیافته بود. بنابراین، می‌توانیم ظهور فعالیت‌های عرفانی را در قرن دوم بررسی کنیم.

بنابراین، رساله کولسیان نمی‌توانست به عرفان یا مفاهیم عرفانی که ما در تحقیقات گذشته به عنوان آنچه در متن اتفاق می‌افتد، توصیف می‌کردیم، پردازد. بنابراین، یک حرکت بزرگ در تحقیقات از آن موضع وجود دارد. این بدان معنا نیست که هیچ اعتباری برای آن فکر وجود نداشته است، زیرا اگر شما یک کلاه عرفانی بر سر بگذارید و شروع به بررسی فصل دوم رساله کولسیان کنید، ممکن است برخی از ویژگی‌هایی را ببینید که به راحتی می‌تواند شما را به این نتیجه برساند.

برخی استدلال کرده‌اند که این نامه برای پرداختن به نفوذ یا سنت‌های فلسفی که در حال ورود به تفکر مسیحی و شکل‌دهی به اندیشه و رفتار مسیحی بودند، نوشته شده است. چرا؟ این شاید یکی از ضعیف‌ترین دیدگاه‌ها در مورد هدف این نامه باشد که در تحقیقات علمی داریم. تنها دلیل این است که کلمه فلسفه فکر می‌کنم، در کولسیان، فصل ۲ آمده است. و بنابراین این بدان معناست که نوعی فلسفه در جریان است. این واقعاً چیزی نیست که محققان مدرن آن را چندان باور کنند.

پذیرفته‌شده‌ترین و شاید رایج‌ترین دیدگاه در میان محققان امروزی این دیدگاه است که رساله کولسیان در واقع برای مبارزه با نوعی التقاط‌گرایی نوشته شده است. این شبیه آن چیز عرفانی است که ما در مورد یهودیت و بت‌پرستی در آنجا صحبت می‌کنیم، اما اکنون مسیحیت را به آن اضافه می‌کنید، و این نفوذ بت‌پرستی، نفوذ یهودیان و همه این چیزهایی است که در کلیسا جریان دارد، و مسیحیان مطمئن نیستند که مسیحیت اصلاً درباره چیست. ضمناً، این زمینه‌ای است که در آن سنت بت‌پرستی همه جا را فرا گرفته است.

خدایان خیلی زیادی وجود داشتند، خیلی زیاد بودند، و می‌خواهم به شما بگویم که برخی از یافته‌هایی که من به آنها برخورده‌ام در واقع نشان می‌دهد که فعالیت‌های جادویی زیادی وجود داشته است. مردم جادو می‌کردند. آنها برای انجام کاری به قدرت نیاز دارند.

زیارتگاه‌های زیادی در شهر وجود داشت و مسیحیان به نحوی تسلیم برخی از این تأثیرات شدند. اگر فکر می‌کنید آنها خیلی باهوش نبودند، بگذارید یادآوری کنم که فیلسوفان به طرق قابل توجهی بر آن بخش از جهان تأثیر می‌گذاشتند. بنابراین، فعالیت فکری زیادی وجود داشت.

مردم باهوش بودند، بنابراین یک تأثیر فلسفی بالقوه نیز وجود داشت. در کلیسا، به برخی از یهودیان در کلیسا و برخی از غیر یهودیان در کلیسا فکر کنید. یک گروه از پیشینه بت‌پرستی می‌آیند و یک گروه از پیشینه سنتی یهودی می‌آیند و آنها سعی می‌کنند زندگی مسیحی را در این زمینه کثرت‌گرا زندگی کنند.

کلینت آرنولد، اول باید بگویم، شاید باید یک سلب مسئولیت مطرح کنم. کلینت آرنولد اکنون رئیس دانشکده الهیات تابارد در دانشگاه بیولا است. استدلال کلینت آرنولد بهترین و شاید بهترین توضیح، به نظر من، برای توصیف آنچه در نامه می‌گذرد، تلقی می‌شود.

کلینت کسی است که این دیدگاه تلفیقی را به ما پیشنهاد داد. و کلینت این را می‌گوید، که جالب اینجاست، که ممکن است مفسران زیادی را پیدا کنید که همین جمله‌ای را که من اینجا روی صفحه برای شما دارم نقل می‌کنند. فلسفه کولسی ترکیبی از باورهای عامیانه فریگیایی، یهودیت عامیانه محلی و مسیحیت است.

این باور محلی دارای برخی ویژگی‌های متمایز فریگیایی است، اما اشتراکات زیادی نیز با آنچه می‌توانیم آن را جادو یا قدرت آیینی نیز توصیف کنیم، دارد. یهودیت این منطقه پیش از این تحت تأثیر این باورها و اعمال محلی قرار گرفته بود. برعکس، زیرساخت جادویی یهودیت آناتولی پیش از این سهم خود را در باورها و اعمال بت‌پرستانه ایفا کرده بود.

با اعلام تشکیل جامعه مسیحی از یهودیان و بت‌پرستان تازه مسلمان شده، چند سال بعد جنجالی در کلیسا بر سر اعمال و باورهای یک مد نوظهور در کلیسا به پا شد. این فلسفه، به عقیده قوی پولس رسول، بیش از حد با محیط مذهبی اطراف سازش می‌کرد. پولس این سازش تلفیقی را دید و باید بگویم که کلینت آرنولد در کتاب، در واقع این کلمات را نوشت و آن را با کلمه تلفیق در عنوان عنوان کرد.

پولس این را یک مصالحه خطرناک می‌داند و بنابراین، در پی پرداختن به این موضوع برآمد. بنابراین، تا جایی که به هدف مربوط می‌شود، بیایید به این شکل به آن نگاه کنیم - مشکلات در کلیسا

من به آمریکا یا جاهای دیگر دنیا که این را داریم فکر نمی‌کنم. حالا، برای مخاطبان آمریکایی، شما به شهر نیویورک یا جایی در برخی از شهرهای کوچک‌تر پنسیلوانیا فکر می‌کنید، جایی که اخیراً کشف کردم فعالیت‌های آخر هفته زیادی وجود دارد. بنابراین شما آخر هفته دارید، چیزهای دیگری هم دارید، کف‌بینی دارید، دارید، و برخی از مردم می‌خواهند چیزی بیشتر از خدا را تجربه کنند.

بنابراین، آنها سعی می‌کنند همه این چیزها را به کار بگیرند و می‌خواهند آن را به تجربه مسیحی خود نیز وارد کنند. کسانی که می‌آیند، کسانی که این موضوع را از بافت آفریقایی دنبال می‌کنند، همه شما، شاید بافت آمریکای لاتین، می‌دانید که در واقع بسیاری از مسیحیان هنوز برای انواع مسائل با بت‌پرستان مشورت می‌کنند و هنوز فکر می‌کنند که می‌توانند به زندگی مسیحی خود ادامه دهند. بنابراین، تصور کنید که پولس به این مسائل در جامعه مؤمنان می‌پردازد، جایی که این مسائل به مشکلی برای آلوده کردن محتوای واقعی حقیقت، یعنی انجیل، تبدیل می‌شوند.

اما این معلمان دروغین از چه کسانی و کجا می‌آمدند؟ آیا این یک تعلیم نادرست است که از بیرون می‌آید و سعی می‌کند چیزهایی را به کلیسا بیاورد؟ آیا از داخل است یا چیز دیگری؟ خب، می‌توانید آن را روی سه انگشت بگذارید. اگر به یک بدعت خاص فکر کنیم، اثبات آن در کولسیان بسیار دشوار خواهد بود که بگویم این یک بدعت خاص است که در اینجا در حال وقوع است. و بنابراین، استدلال کلینت آرنولد برای گرایش‌های التقاطی بیشتر جنبه‌ی پژوهشی دارد.

در مورد اینکه افراد از کجا می‌آیند، به نظر می‌رسد شواهد بیشتر به سمت افراد داخلی کلیسا اشاره دارد. به عبارت دیگر، افرادی در کلیسا که سعی می‌کنند در فلسفه، بت‌پرستی، ادیان عامیانه و هر آنچه که سطح بالایی از تجربه معنوی دارد، نفوذ کنند. باید به یاد داشت که وقتی از فعالیت تلفیقی صحبت می‌کنیم و سعی در توضیح آن داریم، نمی‌توانیم از زبان ساده‌انگاران برای توضیح این موضوع استفاده کنیم، گویی تمام جزئیات ماهیت آموزه‌های نادرست را می‌دانیم.

یک چیز قطعی است: مسیحیان فریب خورده بودند. آنها فریب خورده بودند تا از آموزه‌هایی پیروی کنند که با انجیل سازگار نبود. به نظر می‌رسد افکار مذهبی و فلسفی پیرامون آنها بر فعالیت‌های مسیحی‌شان تأثیر می‌گذارد.

پولس باید به این موضوع می‌پرداخت و به آنها کمک می‌کرد تا در مسیر واقعی با خدا گام بردارند. وقتی به نحوه‌ی به تصویر کشیده شدن این معلمان دروغین در خود نامه نگاه می‌کنیم، بیشتر از اینکه آنها چه کسانی هستند و چه می‌کنند، آگاه می‌شویم. و در اینجا، من به همکارم که در کالج ویتون تدریس می‌کند، داگلاس مون، احترام می‌گذارم که تفسیر بسیار خوبی بر کولسیان نوشته و مشاهدات خود را از فصل ۲ تشریح کرده است. می‌توانید در اینجا ببینید که در فصل ۲، آیه ۸، تعلیم دروغین، فلسفه‌ای پوچ و فریبنده است.

این به سنت‌های بشری بستگی دارد. به نیروهای معنوی بنیادی این جهان وابسته است یا در آنها درگیر می‌شود، مفهوم خاصی که بعداً به آن خواهیم پرداخت. به مسیح وابسته نیست.

این موضوع در رساله کولسیان اهمیت دارد. از آنجا که این رساله از مسیح فاصله می‌گیرد، پولس باید به روشنی بیان کند که مسیح مرکز هر چیزی است که ما باید به عنوان مسیحی به آن ایمان داشته باشیم و به آن پایبند باشیم. این آموزه نادرست، محدودیت‌های غذایی و پرهیز از اعیاد یهودی را ایجاب می‌کند.

این آیه نوعی ریاضت و ریاضت را ترویج می‌دهد، آیات ۱۸ و ۲۳. توجه را بر فرشتگان متمرکز می‌کند. از تجربه‌های شهودی حمایت می‌کند.

این نوعی غرور در خود دارد. پولس در آیه ۱۸ می‌نویسد که آنها بدون دلیل توسط ذهن‌های متکبر مغرور شده‌اند. این هیچ پایه‌ای در مسیح ندارد و ارتباط آن با سر پایدار نیست. و این معلمان دروغین قوانین دنیوی را ترویج می‌دهند.

این باید به شما ایده‌ای در مورد پیچیدگی آموزه‌های نادرست، نوع تأثیری که در کلیسا داشته و نحوه شکل‌گیری افکار و رفتار مردم بدهد. بنابراین اگر این را در مورد کلیسایی که نامه‌ای که ما آن را کولسیان می‌نامیم برای آن نوشته شده است بدانیم، قبل از اینکه به آیه ۱ نگاه کنیم، چه مضامین کلی را در این نامه می‌بینیم؟ مضامین الهیاتی که ممکن است برای شما برجسته کنم شامل چیزی است که ما آن را سرود مسیح یا مسیح‌شناسی کیهانی اصلی می‌نامیم که در فصل ۱، آیات ۱۵ تا ۲۰ به آن خواهیم پرداخت. ما چیزی داریم که محققان آن را آخرالزمان‌شناسی رالی‌ها می‌نامند.

یکی از چیزهایی که در مورد این نامه دوست دارم، همانطور که در بحث مربوط به رساله‌های زندان خواهید یافت، تأکید بر دانش، معرفت و یادگیری به عنوان یک ضرورت برای بلوغ مسیحی است تا مسیحیان بتوانند زندگی شایسته کسانی را که خود را پیرو مسیح می‌نامند، بشناسند، درک کنند و زندگی کنند. یکی از مضامین کلیدی که واقعاً در تحقیقات برجسته نشده است، اما بخش عمده‌ای از سهم من در تحقیقات در نامه‌های مورد مناقشه پولس را تشکیل می‌دهد، روابط خانوادگی در این نامه‌ها است. بنابراین ما این مضامین اصلی را می‌بینیم، اما شما همچنین می‌خواهید به آنچه که گاهی اوقات حتی در عناوین کتاب‌ها یا تفاسیر کولسیان پیدا می‌کنید توجه کنید، یعنی مسیح‌شناسی، مسیح‌شناسی والا، مسیح مرکز، مسیح متعال، مسیح خالق، و وسیله‌ای برای آشتی با انسان‌ها و خدا و نیاز به نگه داشتن و اتصال به سر مسیح، تا مسیحیان بتوانند زندگی‌ای را که از ما انتظار می‌رود، زندگی کنند.

حالا، شاید بخواهید کتاب مقدس خود را بردارید. خیلی چیزها بدون برداشتن کتاب مقدس گفته شده است، پس کتاب مقدس خود را بردارید. می‌توانید هر ترجمه‌ای که دوست دارید را داشته باشید.

و از این قبیل دارید، می‌توانید از متنی که من می‌خوانم NIV، ESV، NRSV ترجیحاً، اگر ترجمه‌هایی مثل می‌خوانم. بیایید شروع به بررسی نامه کنیم. ممکن است با خودتان ESV پیروی کنید. من در واقع این بار از

بگویید وای، پس محققان، منظورم این است که شما این همه وقت صرف می کنید تا حتی شروع به بررسی آن ... کنید، خیلی ساده است

بله، من هم قبلاً اینطور فکر می کردم، اما دانستن برخی از این موارد کمک می کند تا وقتی وارد این نامه می شوید، بتوانید مفهوم آن را بپذیرید و پذیرای یادگیری از آنچه کلام خدا به ما می آموزد، باشید. وقتی چند آیه اول نامه را می خوانیم و به آنها نگاه می کنیم، به این سطور برمی خوریم. پولس، رسول عیسی مسیح به خواست خدا، و تیموتائوس، برادر ما برای مقدسین و برادران وفادار در مسیح در کولسی

فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما، بر شما باد. اجازه دهید چند نکته را اینجا باز کنم. معمولاً ما از برخی از این سلامها صرف نظر می کنیم، انگار که خیلی آسان هستند، بنابراین واقعاً لازم نیست نگران این باشیم که چه چیزی را باید به ما منتقل کنند یا به ما بیاموزند، اما توجه داشته باشید که کسی که خود را به عنوان نویسنده معرفی می کند، پولس است، اما او همچنین می خواهد مطمئن شود که کلیسای که او را نمی شناسد، واقعاً چیزی در مورد او و رابطه اش با شخصیت اصلی می داند که باید در این نامه بیشتر در مورد آن بدانند.

او یک رسول است. او رسول مسیح عیسی است. او کسی است که توسط، ببخشید، عیسی فرستاده شده است.

او از خود هیچ پیامی ندارد و از خود هیچ مأموریتی ندارد. او به نام کسی که او را فرستاده است، تجارت یا رسول می تواند به معنای کسی باشد که فرستاده شده است یا عنوان apostolos می کند. بنابراین کلمه کسی باشد که مسیح را به عنوان یک رهبر شناخته و از او پیروی کرده است، همانطور که ما می دانیم، به عنوان مثال در مورد حواریون، بنابراین پولس خود را به عنوان یک رسول، شخصی که فرستاده شده است یا کسی که عنوان یک شخص برجسته را دارد که از عیسی مسیح پیروی کرده است، کار او را دیده است و با او وقت گذرانده است، توصیف می کند.

به یاد داشته باشید، پولس در مورد تجربه شخصی خود با عیسی در مسیر دمشق صحبت می کند، اما این برای معرفی خود کافی نیست. او می خواهد نه تنها رابطه خود را با مسیح عیسی به عنوان یک رسول برقرار کند، بلکه تا جایی که به خدا مربوط می شود، رسالت او به خواست خدا است. او نقش و جایگاه خود را به عنوان کسی که مطابق خواست خدا عمل می کند، مشروعیت می بخشد.

شما نمی خواهید هنگام خواندن این نامه از این نکته غافل شوید، زیرا او با اثبات اقتدار خود با چنین وضوحی، در واقع به این مؤمنان نشان می دهد که جایگاه شخصی او نزد مسیح پابرجاست. او عمل می کند، اجرا می کند، می نویسد و پیام را می فرستد تا همه آنها بفهمند که اراده مسیح، که یک اعتقاد مشترک است. در مورد مسئله تعالیم نادرست در کلیسا چیست، و او می گوید که من این را با تیموتائوس می نویسم. تیموتائوس برادر ماست.

تیموتائوس برادر ماست. تیموتائوس برادر شما نیست. تیموتائوس برادر کس دیگری نیست، اما پولس در اینجا از چیزی استفاده می کند که ما آن را خویشاوندی خیالی می نامیم.

ما خودمان را به عنوان خانواده خدا می بینیم و با قرار دادن خود در آن خانواده، او به خوانندگان می گوید اگرچه ما او را ندیده ایم یا ممکن است برخی از شما شخصاً او را ندیده باشید، همه ما برادر و خواهر هستیم و می خواهیم بدانید که تیموتائوس، کسی که با من می نویسد، برادر ماست و با اعتقاد و ایمان مشترک به مسیح عیسی مسیح، و سپس پولس به استقبال کلیسا می رود که در نامه نگاری های باستانی بسیار استاندارد است. او به آنها سلام می کند و نگاه کردن به نحوه سلام کردن یا خطاب کردن او به آنها بسیار جالب است. این کلیسای است که مشکلاتی دارد، درست است؟ این کلیسای است که برخی در آن تسلیم آموزه های

نادرست می‌شوند، درست است؟ خب، پولس آنها را مقدسین خطاب می‌کند، مقدسینی که در بحران مقدسین هستند، که به معنای واقعی کلمه به یونانی ترجمه شده است.

ضمناً، قدیس بودن در اینجا به معنای تقدیس پاپ نیست. این بدان معنا نیست که پاپ باید کسی را قدیس کند. پولس از این اصطلاح برای اشاره به کسانی استفاده کرد که وقتی همه گناهکار بودند، با مسیح عیسی روبرو شدند، همانطور که در فصل اول می‌گوید، اتفاقی افتاد که گناهان آنها بر روی صلیب بخشیده شد و بنابراین آنها مقدس شدند، او می‌توانست از آنها به عنوان مقدسین در مسیح عیسی یاد کند.

او همچنین آنها را برادر می‌نامد، و آنها را برادران وفادار می‌نامد، که قابل توجه است. تاکنون، آنها نشانه‌هایی از بی‌وفایی در جایگاه خود با مسیح و در اجازه دادن به ورود برخی چیزها به کلیسا نشان می‌دهند، اما پولس تصویر بزرگ، تصویر بزرگتر را می‌بیند. اینها مقدسین در مسیح عیسی هستند.

آنها هنوز به ایمان خود پایبند هستند. آیا آنها مشکلات داخلی دارند؟ بله، اما آنها مقدس هستند. آنها وفادار هستند و او از آنها فاصله نخواهد گرفت.

آنها برادر و خواهر هستند، همانطور که تیموتائوس قبلاً در سطر اول اشاره کرد. گفتن اینکه آنها وفادار هستند، هم اخلاق و هم جایگاه را در بر می‌گیرد، یا گفتن اینکه آنها وفادار هستند، به این معنی است که آنها در کار خود با خدا وفادار هستند یا در نحوه رفتار واقعی خود وفادار هستند. حتی وفاداری آنها به خدا نیز نشان می‌دهد که تا آنجا که به جایگاه آنها در خدا مربوط می‌شود، آنها وفادار تلقی می‌شوند.

سلام. سلام دوستان عزیزم. سلام به مقدسات

«سلام به برادران و به ویژه سلام به آنان که در کولسی هستند. پولس در ادامه می‌گوید: «فیض بر شما باد.» فیض بر شما باد» «سلامتی از جانب خدا، و این خدایی که من از او صحبت می‌کنم پدر ماست»

فیض الهی شامل حال تو باد. برای پولس، فیض الهی فقط یک کلمه ساده‌ی خیرخواهی نیست. پولس، که زمانی از آزاردهندگان خداوند عیسی مسیح بود، در جاده‌ی دمشق با او روبرو شد و در آنجا دید که خدا چه تصمیمی برای او خواهد گرفت، به جای اینکه سرش را بزند و موهایش را بگیرد، اگر موهایی روی سرش داشت، او را بلند کند و تنبیه کند و بگوید: «هی پولس، فکر کردی می‌توانی من را آزار بدهی، درست است؟» «خدا به او فیض نشان داد.

فیض در نوشته‌های پولس به یک کلمه الهیاتی تبدیل می‌شود. این کلمه یادآور کاری است که خدا با ما که شایسته رحمت او نبودیم، انجام داده است. با این روحیه، با این یادداشت، او برای شما درود و فیض می‌فرستد.

صلح از جانب خداست. صلح حس تندرستی را به همراه دارد. صلح، حفظ صلح نیست.

آرامش از جانب کسی که سرور آرامش است. کسی که می‌تواند آرامش را از درون به بیرون ببخشد. آرامش. بر شما باد و این آرامش از جانب پدر ما می‌آید.

ببینید که چگونه زبان خویشاوندی در دو آیه اول کولسیان نمود پیدا می‌کند. تیموتائوس به عنوان برادر ما توصیف شده است. اعضای کلیسا به عنوان برادر و خدا به عنوان پدر ما توصیف شده است.

بنابراین، حتی در این دو آیه، پولس از قبل خانواده‌ای از خدا را با مسائل واقعی خانوادگی که در صفحات بعدی به آنها پرداخته خواهد شد، تأسیس کرده است. ما خانواده هستیم. پدر ما خداست

ما برادر و خواهر هستیم. پس بیایید به مسائلی پردازیم که به ما کمک می‌کند تا در چارچوب مدیترانه باستان، انسان‌های وفاداری به شرافت و کرامت خانوادگی باشیم. یکی از محققان، جیمز دان، خاطرنشان کرد که وقتی در این احوالپرسی‌ها به صلح فکر می‌کنیم، نمی‌خواهیم صلح را بدیهی بدانیم

این کلمه چنان غنی است که باید هنگام بررسی برخی از این سلام‌ها، قدر آن را بدانیم. دان می‌نویسد که نباید از غنای سلام یهودی به صلح یا شالوم غافل شد، زیرا این کلمه نه تنها به معنای پایان جنگ است، بلکه به معنای هر آن چیزی است که در غیاب جنگ، رفاه و سعادت را به ارمغان می‌آورد و نه صرفاً به معنای صلح فردی یا درونی، بلکه به معنای تمامیت روابط هماهنگ نیز هست. پولس می‌نویسد: صلح از جانب خدا، پدر ما.

در پاراگراف بعدی، از آیه ۳ تا آیه ۸، پولس تشکر و دعا می‌کند و من دوست دارم آن را بخوانم. ما همیشه وقتی برای شما دعا می‌کنیم، خدا را به خاطر پدر خداوندمان عیسی مسیح شکر می‌کنیم، زیرا از ایمان شما به مسیح عیسی و عشقی که به همه مقدسین دارید، به خاطر امیددی که برای شما در آسمان ذخیره شده است، باخبر شده‌ایم. شما پیش از این، کلام حقیقت انجیل را شنیده‌اید که به شما رسیده است، همانطور که در تمام جهان ثمر می‌دهد و افزایش می‌یابد، همانطور که در میان شما نیز از روزی که آن را شنیدید و فیض خدا را به حقیقت درک کردید، همانطور که آن را از افراس، خادم عزیز، یاد می‌گیرید، او خادم وفادار مسیح از طرف شماست و عشق شما را در روح به ما اعلام کرده است. بیایید در چند دقیقه آینده به این چند آیه از آیات ۳ تا ۸ نگاهی بیندازیم و می‌خواهم چهار پنجره را که باید برای بررسی این آزمون استفاده کنیم، قرار دهم.

به عبارت دیگر، چهار سوال وجود دارد که می‌تواند به ما کمک کند تا به طور خلاصه به این موضوع بپردازیم. اول، شکرگزاری برای چه کسی واجب بود؟ دوم، چه خیری باعث شکرگزاری یا دعا شد؟ و سوم آنها چگونه از برخی ویژگی‌های خاص که پولس مطرح می‌کند، مطلع بودند یا چه چیزی در واقع به توسعه آنها کمک کرد؟ و چهارم، اپفراهایی که پولس درباره آنها صحبت می‌کند چه کسانی هستند؟ من این چند آیه را دوست دارم، و امروز صبح، در واقع، فقط با نگاه دوباره به این آیات و اینکه این متن چقدر غنی است، تحت تأثیر قرار گرفتم. ما همیشه خدا را به خاطر شما شکر می‌کنیم، و اگر وقت دارید، مکث می‌کنم. و می‌گویم، ببینید چند بار سر و س فقط در فصل اول ظاهر می‌شود.

امید فقط در فصل اول ظاهر می‌شود، و این چیزی است که می‌توانید برای نگاه کردن به آن و لذت بردن از این فصل وقت بگذارید. اما بیایید به اولین سوال پردازیم که شکرگزاری شایسته چه کسی بود؟ در فصل ۳ فصل ۱ آیات ۳ تا ۸ شکرگزاری شایسته خداست و نه چیز دیگری، بلکه شایسته خداست، پدر خداوند ما عیسی مسیح. بنابراین، به چیزی که قبلاً فقط در چند آیه که کمتر از چهار آیه در نامه است، اتفاق افتاده است، توجه کنید.

تیموتائوس برادر ماست، مقدسین برادرند، خدا پدر ماست، و این خدا که پدر ماست، پدر خداوند ما عیسی مسیح نیز هست. ما با عیسی مسیح خواهر و برادریم. چه خبر بزرگی. شکرگزاری برای این خداست به خاطر آنچه که در زندگی خداوند ما عیسی مسیح انجام خواهد داد.

بیایید از کلمه مهم دیگری در اینجا غافل نشویم، خداوند. سرور ما، عیسی مسیح، کسی است که ما با اطاعت از دستوراتش، خود را در برابر او فروتن می‌کنیم. خداوند عیسی مسیح، که به ما گفته خواهد شد

وسیله نجات ماست. او قبل از خلقت و انواع چیزها وجود داشته است، و مزایایی که ما به عنوان مسیحیان داریم از طریق او حاصل شده است.

ما باید از خدا که پدر اوست، سپاسگزاری کنیم. سوال دوم، یا به قول من پنجره. چه چیزی باعث شکرگزاری و دعا شد؟ ما همیشه وقتی برای شما دعا می‌کنیم، از خدا، پدر خداوندمان عیسی مسیح، تشکر می‌کنیم.

از زمانی که از ایمان شما به مسیح عیسی باخبر شدیم، از عشق شما به همه مقدسین نیز شنیده‌ایم و این به خاطر امیدی است که دارید. بنابراین، همانطور که پولس در مورد ایمان آنها به مسیح عیسی، عشق آنها به یکدیگر و به خاطر امیدی که دارند فکر می‌کند، دلایل زیادی برای شکرگزاری از خدا وجود دارد. اما چرا باید این اتفاق بیفتد در حالی که در واقع من قبلاً به شما گفتم که در کلیسا تعالیم نادرستی وجود داشت که مردم همه این فعالیت‌های تلفیقی را انجام می‌دادند و با این حال پولس سعی دارد همه این تصویر شگفت‌انگیز را ارائه دهد.

نه، این جایی است که مسیحیان باید درک کنند. این به آن معنا نیست که کلیسا یک کلیسای بی‌نقص بوده، آنها فقط اصول اولیه را درست رعایت می‌کردند، اما در کلیسا مشکلاتی داشتند. همچنین ممکن است که پولس در حال یادآوری برخی از زمینه‌هایی بوده که در آنها خوب بودند تا وقتی به آنچه در آن خوب نیستند اشاره می‌کند، بدشان نیاید.

چه چیزی باعث شکرگزاری و دعا شد؟ ایمان آنها به مسیح، عشق آنها به مقدسین و به خاطر امیدی که به مسیح دارند. سوال سوم و شاید قبل از آن، اجازه دهید در مورد دوستی به شما یادآوری کنم، یک محقق کاتولیک بسیار خوب که در کانادا تدریس می‌کند، مارگارت مک‌دونالد، که فکر می‌کند نباید کلمه امید را بدیهی بدانیم. مارگارت می‌نویسد امید در اینجا اهمیت ویژه‌ای دارد.

این بیشتر از آنکه نگرشی برای پرورش باشد، چیزی است که باید به دست گرفته شود. در اصل، این اصطلاح مترادف با زندگی ابدی است. ما جایگاهی داریم که بدون ابهام است.

واضح است که ما به چیزی که وجود ندارد امید نداریم. ما به چیزی ملموس امید داریم که بتوانیم حیات جاودان داشته باشیم. اما آنها چگونه به این ویژگی‌ها رسیدند؟ چگونه آن ایمان، عشق و امیدی را که درباره‌اش صحبت می‌شود، داشتند؟ از طریق انجیل، کلام حقیقت، به آنها رسید.

از آیه ۴، از آنجایی که از ایمان شما به مسیح عیسی و عشق به مقدسین به خاطر امیدی که در آسمان برای شما قرار داده شده است، باخبر شدیم، شما پیش از کلام حق، انجیلی را که به شما رسیده است، شنیده‌اید همانطور که در واقع تمام جهان در حال ثمر دادن و افزایش است. انجیل یکی از ابزارهایی است که آنها واقعاً به آن دسترسی داشتند و منابعی برای توسعه این ویژگی‌ها بودند. شاید مجبور شویم بنشینیم و بگوییم که شاید این کمی اغراق‌آمیز باشد که بگوییم انجیل در تمام جهان است.

بله، من موافقم که پولس فقط نمی‌گوید که من به سراسر جهان سفر کردم؛ من جغرافیای جهان را در دفترم برمی‌دارم و سپس دور آنچه انجیل به اینجا رسیده است دایره می‌کشم. نه، او فقط سعی دارد عبارتی بسازد که بگوید انجیل به جهان شناخته شده گسترش یافته است، و این همان نوع انجیلی است که او در مورد آن صحبت می‌کند، و این کسی است که مسئول ارسال پیام به بسیاری از نقاط جهان است. آنها همه اینها را از مردی به نام اپافراس آموخته‌اند.

بنابراین، شایان ذکر است که باید چیزی در مورد این مرد به نام اپافراس بدانیم. من اغلب سوالی پرسیده‌ام که از اینجا می‌گذرم. تا چه حد اعتبار را بخش مهمی از تشکیل پرونده برای کلیسای می‌دانید که با آموزه‌های

نادرست سر و کار دارد؟ و اگر می‌خواهید در مورد این موضوع مکث کنید، به این فکر کنید که نامه چگونه شروع می‌شود؛ به این فکر کنید که پولس چگونه خود را تثبیت می‌کند، به این فکر کنید که چگونه کسی را که به نمایندگی از او کار می‌کند توصیف کرد، به این فکر کنید که چگونه قدیس را توصیف می‌کند. به این نگاه کنید که چگونه او با استفاده از زبان خویشاوندی، رابطه‌ای بین خود و قدیسان برقرار می‌کند، به صفت‌هایی که او برای توصیف حقیقت انجیل به کار برده است، نگاه کنید، به عنوان مثال، ببینید که چگونه ایجاد اعتبار برای پرداختن به مسائل واقعی مهم است و سپس او می‌تواند به شما بگوید که در واقع اگر انجیل حقیقت را داشته‌اید، احتمالاً آن را از شخص درست، اِپِفراس، دریافت کرده‌اید.

اِپِفراس، این را از اِپِفراس، هم‌خدمت محبوب ما، بیاموزید. او خادمی امین در مسیح از جانب شماست و محبت شما را در روح به ما شناسانده است. در ادامه این نامه، بیشتر با اِپِفراس آشنا خواهیم شد.

اِپِفراس کسی بود که پولس به همراه تیموتائوس برای انجام کارهای مختلف فرستاده شد. پولس حتی شاهد کار او در دره لیکوس است. بر این اساس است که پولس می‌توانست ادعای محکمی در مورد اِپِفراس و جایگاه او داشته باشد.

از اینجا، او شروع به کار خواهد کرد و در واقع از آیه ۹ برای کلیسا دعا خواهد کرد. و بنابراین، همانطور که خواندم، از روزی که شنیدیم، ما از دعا برای شما دست نکشیده‌ایم و از شما می‌خواهیم که از ESV از شناخت اراده او در هر حکمت و فهم معنوی پر شوید تا به شیوه‌ای شایسته خداوند رفتار کنید، کاملاً مورد رضایت او باشید، در هر کار نیک ثمر بیاورید و در شناخت خدا رشد کنید. باشد که شما با تمام قدرت مطابق قدرت جلال او برای هر گونه تحمل و صبر با شادی تقویت شوید، و پدر را شکر کنید که شما را واجد شرایط کرده است تا در میراث مقدسین سهیم شوید، در چه چیزی؟ در نور.

چرا؟ زیرا آیه ۱۳ می‌گوید که او ما را از قلمرو تاریکی‌های بخشیده و به پادشاهی پسر محبوبش منتقل کرده است، که در او رستگاری و بخشش گناهان را داریم. در این دعا، فقط چند نکته را برای شما برجسته می‌کنم. به دعای دانش برای کلیسایی که گمراه شده است توجه کنید.

این یک آرزوی مهم دعایی برای پولس است که آنها از دانش پر شوند. آنها ممکن است بدانند. من دوست دارم به برخی از مخاطبانم بگویم، و من گاهی اوقات فرصتی دارم تا با پنطیکاستی‌ها و کاریزماتیک‌ها صحبت کنم.

دوست دارم بگویم که دانش داشتن غیرمعنوی نیست، زیرا وقتی آموزه‌های نادرست در کلیسا نفوذ می‌کند، جامعه ایمانی باید دانش دریافت کند و ایمانی که مؤمنان باید داشته باشند، باید ایمانی استدلالی باشد، چیزی که به صورت فکری پردازش شده و مبتنی بر دانش محکم از حقیقت باشد. پولس دقیقاً برای کلیسا دعا می‌کند که از دانش پر شود، نه فقط دانش، بلکه دانش اراده او. او گفت که او به خواست خدا رسول است و دعا می‌کند که آنها از دانش اراده او پر شوند.

جالب اینجاست که او برای دانش دعا می‌کند و در واقع در زمینه‌های خاصی تأثیر می‌گذارد که ممکن است آنها حکمت معنوی، توانایی درک مفهوم و پردازش و انتقال آن در زندگی واقعی را داشته باشند. حکمت معنوی برای رشد معنوی مهم است، به خصوص وقتی معلمان دروغین در اطراف شما هستند، وقتی انواع بی‌دینی در اطراف شما وجود دارد. ما این سخنرانی‌ها را در واقع در ماساچوست ضبط می‌کنیم، جایی که کمترین بخش‌های کلیسا را در ایالات متحده داریم.

وقتی در چنین شرایطی زندگی مسیحی را تجربه می‌کنید، می‌خواهید برای هر آنچه پیش می‌آید آماده باشید و برای این منظور، دعای پولس به حقیقت می‌پیوندد. فرد باید سرشار از دانش و خرد معنوی باشد تا ایمانی که

در عمل به کار می‌رود، ایمانی منطقی باشد. پولس به طور خاص در حوزه رفتار نیز دعا می‌کند تا شایسته خداوند باشند.

در بحبوحه تعالیم نادرست و نفوذ معلمان دروغین، واقعاً مهم است که مسیحیان زندگی مسیحی داشته باشند. صداقت مسیحی در دنیای تاریکی اهمیت دارد. جهان باید بداند که مسیحیان کارها را متفاوت انجام می‌دهند.

در واقع، مسیحی بودن به معنای پیروی از مسیح است. او با دعا برای رفتار درست، دعا می‌کند که آنها کاملاً مورد رضایت خدا باشند، زیرا در فرهنگی که آبرو و شرمساری حکمفرماست، اگر رفتار آنها با خدایی که او را پدر می‌نامند مطابقت نداشته باشد، مایه شرمساری خانواده می‌شوند. مهم این است که آنها زندگی مسیحی خوبی داشته باشند، تا بتوانند ثمره داشته باشند.

من این را دوست دارم چون در جای دیگری، در غلاطیان می‌بینیم که پولس از همین استعاره‌ی میوه دادن برای اشاره به کاری که روح می‌تواند در زندگی افراد انجام دهد، استفاده می‌کند. اینطور نیست که وقتی روح در درون شما کار می‌کند، شما فقط بایستید و در دعا غرق شوید. نه، وقتی روح در شما کار می‌کند، بخشی از اتفاقی که می‌افتد این است که شما قادر به ثمر رساندن میوه‌ی روح هستید، که همان اخلاق است.

زندگی مسیحی در بحبوحه نفوذ معلمان دروغین مهم است، و پولس به طور خاص برای آن دعا می‌کند. او همچنین دعا می‌کند که آنها افزایش یابند، نه اینکه هیچ دانشی نداشته باشند، آنها دانش دارند، اما دانششان افزایش یابد. یادگیری.

این واقعیت که شما تصمیم گرفته‌اید در این مجموعه مطالعات کتاب مقدس یاد بگیرید، در واقع راهی برای افزایش دانش شما در مورد مسیح است. این چیز خوبی است. پولس همچنین برای قدرت معنوی دعا می‌کند.

او با استفاده از چیزی که ما آن را فعل مجهول الهی می‌نامیم، دعا می‌کند که آنها تقویت شوند. آنها تقویت می‌شوند و خداوند به آنها توانایی لازم برای داشتن آن قدرتی را که لازم است می‌دهد. و این قدرت مورد نیاز است، نه برای اینکه بتوانند در کلیسا با یکدیگر بجنگند، بلکه برای اینکه بتوانند چالش‌هایی را که با آن روبرو هستند، تمام چالش‌هایی که بعداً پیش خواهد آمد، تحمل کنند، تا یاد بگیرند که صبور باشند، درست در صورتی که چیزهایی که به خدا ایمان داشته‌اند، به تعویق بیفتد یا در زمانی که انتظار دارند نتیجه خاصی را ببینند، اتفاق نیفتد.

او برای قدرت معنوی دعا می‌کند. و سپس برای رفتار آنها دعا می‌کند. او دعا می‌کند که در واقع، افراد بدخلق در کلیسا نباشند، بلکه سرشار از شادی و سپاسگزاری باشند.

آیه ۱۱: باشد که با تمام قدرت مطابق قدرت جلال او، برای صبر و شکیبایی کامل، با شادی، تقویت شوید و پدر را که شما را شایسته‌ی سهم شدن در میراث مقدسین گردانیده است، شکر کنید.

شکرگزاری کنید. شکرگزاری کنید. آیه ۱۲: برای دارایی‌هایی که دارید شکرگزاری کنید.

دارایی‌ها و توانایی شرکت در میراث مقدسین. میراث مقدسین قرار نیست آشکار شود. میراث مقدسین در کولسیان واقعی است.

آن آنجاست. تو بخشی از آن هستی. تو فرزند خدایی هستی که در خدا میراثی داری.

آن دارایی‌ها و مشارکت شکر کنید. خدا را به خاطر نجاتی که ارائه داده شکر کنید. آیه ۱۳، می‌خواهم توجه شما را به انتهای آیه ۱۳ جلب کنم.

هر ترجمه‌ای که داشته باشید، متوجه خواهید شد که وقتی او درباره میراث مقدسین صحبت کرد، گفت که شما را واجد شرایط کرده است تا در میراث مقدسین سهیم باشید. دو کلمه در آنجا وجود دارد که تقریباً بی‌اهمیت به نظر می‌رسند، اما واقعاً مهم هستند. او همه این کارها را در نور یا در نور انجام داده است تا بتواند در آیه ۱۳ تضاد را بیان کند.

او شما را رهایی داده است، یا ما را از قلمرو تاریکی رهایی بخشیده است، و نور و مزایای نور را در مقابل هم قرار داده است. او ما را از تاریکی بیرون آورد، و کلام این است که او ما را از تاریکی رهایی بخشید، و ما را به پادشاهی پسر محبوبش منتقل کرد. جهانی که پر از فعالیت‌های نیروهای تاریک است، همانطور که بعداً در این نامه خواهیم دید، جهانی است که ما از آن گرفته شده‌ایم، در مسیح نجات یافته‌ایم، و به پادشاهی بی‌همتای پسر محبوبش آورده شده‌ایم.

بیاید خدا را شکر کنیم. بیاید از آنچه خدا انجام داده است، سرشار از قدردانی باشیم. در این راستا است، که پولس در روحیه ستایش بهترین عملکرد را خواهد داشت و سپس آنچه را که ما سرود مسیح می‌نامیم، ارائه می‌دهد.

می‌دانی، نمی‌دانم در مورد کار و جایگاهت در نزد خدا چه فکری کرده‌ای. اما فقط می‌خواهم اینجا مکث کنم تا برجسته کنم که چگونه این موضوع می‌تواند به طور ملموسی در زندگی واقعی امروز ما مرتبط باشد. همه ما در کارمان با خدا با چالش‌هایی روبرو هستیم.

به عنوان مسیحیان، می‌خواهیم به ما یادآوری شود که مواجهه با این چالش‌ها ما را از مسیحیان بودنمان دور نمی‌کند. در غیر این صورت، پولس حتی برای استقامت دعا نمی‌کرد. ما می‌خواهیم از نوع دعایی که پولس برای ما داشت آگاه باشیم، و شاید این بتواند بخشی از دعای ما باشد که بتوانیم تقویت شویم.

ممکن است سرشار از دانش باشیم. ممکن است در جای درست قرار بگیریم و از اینکه واقعاً آن کسی هستیم که خدا می‌خواهد، صرف نظر از تمام چالش‌های اطرافمان، سپاسگزار باشیم. این نامه‌ای است که به تأثیر آموزه‌های نادرست می‌پردازد.

اما ببینید چه یادآوری زیبایی، یادآوری زیبایی از کاری که مسیح انجام داده است. من کلماتی را که او به ما منتقل کرده است دوست دارم. او ما را منتقل کرده است.

آیا تا به حال شغل بدی داشته‌اید؟ آیا تا به حال از رئیس خود متنفر بوده‌اید؟ آیا تا به حال فکر کرده‌اید که بودن در این موقعیت خیلی وحشتناک است؟ فقط تصور کنید که از آن مکان به بهترین مکان برای شغل رویایی‌تان منتقل شده‌اید. او ما را از تاریکی در کولسیان بیرون آورد و به پادشاهی پسر محبوبش آورد. بیاید سرشار از سپاسگزاری باشیم.

بیاید کمی واقع‌بین باشیم. خدا از خود چیزی به جا نگذاشته است، و بنابراین کلیسا خود را در انواع سردرگمی و تفرقه و دروغ می‌بیند، و کسی می‌گوید من این را بیشتر می‌دانم یا آموزه‌های جدیدی شنیده‌ام. این بهترین کاری است که می‌توان انجام داد.

بگذارید به یاد داشته باشیم که ما میراثی داریم ، و همانطور که قبلاً گفتم، این نامه را مرور کنید و شروع به خط کشیدن زیر کلمه امید و قدردانی از آنچه در مسیح دارید، کنید . کلمه یادگیری را در فصل اول کولسیان خط بکشید . فکر می‌کنم ممکن است حدود چهار بار یا بیشتر با این کلمه مواجه شوید و ضرورت یادگیری را درک کنید، و امیدوارم و دعا می‌کنم که همانطور که شروع به بررسی این نامه می‌کنید، فقط با قدردانی مکث کنید .

شما ممکن است سرشار از قدرتی باشید که نه تنها برای محقق شدن در ورزش مغز، بلکه برای تبدیل آموخته‌ها به رفتاری در زندگی که مورد رضایت خداست، لازم است . وقتی برگردیم، توجه شما را به این نکته جلب می‌کنم که چگونه پولس این چارچوب را تعیین می‌کند و سپس به ستایش مسیح، کسی که مسئول است، کسی که خدا در میان آورد تا همه اینها را محقق کند، می‌پردازد . محققان در واقع به آن بخش یا پاراگراف خاص، سرود مسیح می‌گویند .

وقتی برگشتیم، به آن خواهیم پرداخت . امیدوارم در این مجموعه مطالعات کتاب مقدس، با ما چیزی یاد گرفته باشید . متشکرم .

این جلسه شماره دو، دعای شکرگزاری در کولسیان، فصل ۱، آیات ۱ تا ۱۴ است .